خراسان روزنامه صبح ایران
چهارشنبه ۴ مهر ۱۳۹۷. ۱۶ محرم ۱۴۴۰. شماره ۱۹۹۲۳

نشت گاز شهری خانه ۲ طبقه را منفجر کرد

سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران روز گذشته از انفجار یک خانه دو طبقه قدیمی در شهرک شریعتی خبر داد و علت این حادثه را نشت گاز شهری اعلام کرد. جلال ملکی در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: دو اتاق این منزل بر اثر شدت انفجار تخریب شد اما آتش نشانان یک فرد ۴۰ ساله را که دچار سوختگی از ناحیه دست و صورت شده بود نجات دادند.

از میان خبرها

در پی تصادف مرگبار اتوبوس تهران – کرمان:

مدیرتعاونی ۷ و متولی شرکت عدل به دادسرای کرمان احضار شدند

توکلی- معاون حقوق عامه دادسرای عمومی و انقلاب مرکز استان کرمان از احضار مدیر تعاونی ۷ و متولی شرکت عدل کرمان به دادسرا خبر داد. به گزارش خبرنگار ما، سلیمانی درباره آخرین وضعیت حادثه تصادف اتوبوس تهران- کرمان که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از هموطنان شد، گفت: بلافاصله پس از وقوع این حادثه تلخ مدیر تعاونی ۷ و متولی شرکت عدل کرمان به منظور ارائه توضیحاتی به دادسرای عمومی و انقلاب مرکز استان کرمان احضار شدند. وی افزود: باتوجه به این که بیشتر قربانیان و مصدومان این حادثه مربوط به استان کرمان هستند، بلافاصله با دستور دادستان کرمان رسیدگی به موضوع در دستور کار دادستانی قرار گرفته است. وی در پاسخ به این سوال که آیا مصدومان حادثه و خانواده متوفیان می توانند در کرمان پیگیر پرونده قضایی خود باشند یا خیر ؟ افزود : به منظور سهولت کار خانواده متوفیان و مصدومان حادثه در ابتدا درخواست احاله پرونده را داشتیم اما به دلیل این که تعدادی از جان باختگان و مصدومان حادثه مربوط به استان یزد و شهرستان های رفسنجان، انار و دیگر شهرستان ها بودند از حوزه قضایی بادرود در استان اصفهان درخواست کردیم نیابت تحقیقات برای افرادی که ساکن کرمان هستند را به دادسرای عمومی وانقلاب کرمان ارسال کنند. این مقام قضایی اظهار کرد: بر مبنای توضیحات و بررسی های انجام شده اتوبوس از نوع اسکانیا و مدل سال ۱۳۸۷ بوده است که حدود ۱۰ سال از عمر مفید آن گذشته و تا پنج سال دیگر استاندارد مصرف داشته است. وی با اشاره به این که معاینه فنی اتوبوس در تیرماه امسال انجام شده و تا دی ماه نیز اعتبار داشته است افزود : سوابق تخلف راننده نیز بررسی شد و هیچ گونه اطلاعاتی مبنی بر تخلف و نمره منفی وی در طول سابقه رانندگی وجود نداشته است. وی یادآور شد : تعاونی مکلف شد چنان چه فردی از خانواده کشته ها یا مصدومان قصد مراجعه به محل حادثه یا بیمارستان های محل بستری مصدومان را دارد به صورت رایگان عملیات انتقال را انجام دهد.

زن جوان ۳۰ نفر را کشت و گوشت آن‌ها را خورد!

زن جوان روسی پس از قتل ۳۰ انسان اقدام به خوردن گوشت آن‌ها کرد. این جنایت او توسط شوهرش دیمیتری باکشیو، به پلیس اطلاع داده شد. وی به ماموران پلیس گفت: بارها شاهد خوردن گوشت انسان توسط همسرم بودم که با ولع آن‌ها را تکه تکه و بعد گاهی خام و گاهی سرخ شده استفاده می کرد. او تا کنون تعدادی کارگر ساختمانی، ماموربست و آشپز را به قتل رسانده و بعد اقدام به خوردنشان کرده است. ماموران پلیس در تحقیقات خود متوجه شدند این زن همان قاتل سریالی است که از سال ها پیش اقدام به قتل افراد زیادی کرده و به دلیل شانس خوبش تا به حال در دام پلیس نیفتاده است. افسر پرونده معتقد است که ناتالیا از بیماری روحی روانی یا جنون رنج می برد که توانسته این جنایت وحشتناک را انجام دهد. دیمیتری به مامور پلیس گفت که تا به حال از ترس ناتالیا با او تنها در خانه نمانده است و به دلیل ترسش نتوانسته تاکنون او را به پلیس لو دهد. هم اکنون ناتالیا در بیمارستان روانی بستری است تا حکم نهایی و دادگاه او اعلام و برگزار شود.

مرگ ناگهانی ۳ کودک کرمانی در خواب

توکلی- سه کودک کرمانی به طور ناگهانی و همزمان در خواب مرگ را در آغوش گرفتند. مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی کرمان با تایید این خبر به خبرنگار ما گفت: این سه کودک که دو دختر پنج وهشت ساله و یک پسر شش ساله از اعضای یک خانواده هستند، طبق معمول خوابیدند اما صبح از خواب بیدار نشدند. شهابی نژاد افزود: خانواده این کودکان در روستای ا...آباد در حومه شهر کرمان زندگی می کنند. وی خاطرنشان کرد: پزشکی قانونی کرمان باید علت مرگ این سه خواهر و برادر متوفی را مشخص کند.

اختصاصی خراسان

رازگشایی با اسناد جدید از ماجراهای وحشتناک یک زن رستوران دار آغاز شد

معمای پرونده‌های جنایی خاتون!

سید خلیل سجادپور- با به دست آمدن اسناد و مدارک محکمه‌پسند از ماجراهای وحشتناک یک زن رستوران‌دار که به اتهام قتل‌های عمدی در مشهد بازداشت شده است، تحقیقات قضایی در حالی وارد مرحله جدیدی شد که هنوز زوایای پنهان دیگری در این پرونده‌های جنایی وجود دارد.

■ **آخرین پرونده جنایی چگونه شکل گرفت!**

به گزارش اختصاصی خراسان، شانزدهم خرداد ۹۶ بود که پرونده‌ای از کلانتری ۲۴ میرزا کوچک خان مشهد به پلیس آگاهی رسید. محتویات این پرونده جنایی نشان از آن داشت که مرد ۳۶ ساله‌ای از زمستان سال ۹۵ به طرز مرموزی ناپدید شده و هیچ اثری از «حمید-ف» نیست. این پرونده با صدور دستوری از سوی سرهنگ غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی) در اختیار کارآگاهان دایره «مفقودی ها» قرار گرفت تا بررسی های تخصصی در این باره صورت گیرد. در همین اثنا پیرمردی که از گم شدن مرموز پسرش بسیار نگران بود، در تشریح چگونگی گم شدن او به کارآگاهان گفت: مدتی قبل پسرم با زنی رستوران‌دار معروف به «خاتون» که هشت سال نیز از او بزرگ‌تر است، آشنا شد و ازدواج کرد و بعد از آن اختلافات شدیدی در خانواده ما شکل گرفت چرا که پسرم همسر مهربان و خوبی داشت و با فرزند کوچک‌شان در آسایش و آرامش زندگی می کردند ولی از ماه‌ها قبل که با وجود مخالفت‌های من و مادرش تجدید فراش کرد و خاتون را به عقد خودش درآورد، اختلافات بین همسرانش به اوج رسید. خاتون دوست داشت «حمید» همیشه نزد او باشد ولی پسرم نمی‌توانست همسر باوفایش را رها کند و مدام به منزل خاتون برود. با وجود آن که عروسم در سختی و تنگناهای زندگی روزگار می گذراند بالاخره قرار شد «حمید» مدتی در کنار همسر اول و مدتی هم نزد خاتون باشد به همین خاطر ما دیگر توجهی به رفت و آمدهای فرزندمان نداشتیم تا این که او حتی عید نوروز هم نزد همسر اولش نیامد تا حداقل پسر کوچکش را ببیند در صورتی که «حمید» هر جا می‌رفت ما را در جریان می گذاشت و بدون اطلاع ما جایی نمی رفت. مدتی است که هیچ خبری از او نداریم، وقتی به ناچار موضوع را از همسر دومش سوال کردیم او نیز گفت که چند ماه است اطلاعی از «حمید» ندارد و در این مدت تصور می کرده که «حمید» نزد همسر اولش مانده است در حالی که «خاتون» اخلاق عجیبی داشت و زمانی که قرار بود به طور مثال «حمید» دو شب نزد خاتون باشد اگر یک شب نمی‌رفت او سر و صدا به راه می انداخت و آبروریزی می کرد که چرا همسرش تاخیر کرده است! ولی حالا چند ماه است که می گوید اطلاعی از شوهرش ندارد! مادر حمید نیز در پاسخ به سوالات کارآگاهان گفت: یک بار پسرم (حمید) برای دو یا سه روز نزد همسر اولش ماند و به منزل «خاتون» نرفت. ناگهان دیدیم که خاتون دم در حیاط مایک چادر مسافرتی برپا کرد و فریاد زد که همین جا زندگی می کنم تا پسرتان بیاید!! و چنان آبروریزی به راه انداخت که مجبور شدیم او را به داخل حیاط ببریم و سپس با حمید تماس گرفتیم تا این ماجرا ختمه یافت! گزارش خراسان حاکی است: در ادامه تحقیقات، کارآگاهان سوالاتی را نیز درباره اختلافات دیگر خانوادگی از همسران «حمید» پرسیدند و در نهایت این پرونده را برای کسب دستورات قضایی به مجتمع قضایی شهید بهشتی مشهد ارسال کردند و پس از کسب مجوزهای قضایی، به تحقیقات خود برای یافتن سرنخی از ماجرای گم شدن مرموز مرد ۳۶ ساله ادامه دادند.

■ **بررسی‌های غیرمحسوس**

بنابر گزارش خراسان، باتوجه به اهمیت و حساسیت ماجرا گروهی از کارآگاهان «دایره مفقودی ها» به سرپرستی سرهنگ رضوی، تحقیقات غیرمحسوسی را درباره سوابق زن معروف به «خاتون» آغاز کردند. این بررسی‌ها نشان داد «ش» (معروف به خاتون) یک رستوران در مرکز شهر دارد و از تمکن مالی بالایی برخوردار است و ملک و املاک در خور توجهی را به نام خود ثبت کرده است. ادامه تحقیقات و پیگیری سرنخ‌هایی از زندگی اجتماعی این زن رستوران دار حکایت از آن داشت که او دو سابقه کیفری دارد و در یکی از پرونده‌ها به اتهام قتل پدر یکی از همسران سابقش تحت تعقیب قرار گرفته است. با افشای این ماجرا پرونده رنگ و بوی جنایی گرفت.

■ **ورود قاضی ویژه قتل عمد به پرونده «خاتون»**

گزارش اختصاصی خراسان حاکی است: وقتی کارآگاهان به احتمال وقوع جنایت رسیدند، موضوع را با قاضی سیدجواد حسینی (معاون دادستان مشهد) مطرح کردند و بدین ترتیب این پرونده به شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب (شعبه ویژه قتل عمد) ارسال شد و توسط قاضی علی اکبر احمدی نژاد مورد بررسی های دقیق و موشکافانه قرار گرفت. مقام قضایی پس از مطالعه اوراق مربوط به گم شدن مرموز «حمید» (آخرین شوهر خاتون) دستور داد این پرونده از زوایای مختلف مورد کنکاش قرار گیرد و به سوابق خاتون نیز در تجزیه و تحلیل های تخصصی توجه ویژه‌ای شود. این گونه که پرونده خاتون به دایره قتل عمد اداره جنایی پلیس آگاهی انتقال یافت و گروه دیگری از کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ مهدی سلطانیان، تحقیقات تخصصی خود را ادامه دادند. سرگرد نجفی (افسر پرونده) در حالی که ماموریت بررسی سوابق اجتماعی خاتون را به عهده گرفته بود، به سرنخ هایی از یک پرونده جنایی رسید که ردی از «خاتون» در آن نمایان بود.

■ **ماجرای ناپدید شدن مرموز یک پیرمرد**

بنابراین گزارش، ادامه بررسی ها که دیگر زیر نظر مستقیم قاضی احمدی نژاد انجام می شد، به سرنخ ها و اسناد محکمه پسندی رسید که نشان می داد: ردپای «خاتون» در ماجرای ناپدید شدن مرموز پدر پیرِ یکی از همسران سابق وی وجود دارد. تحقیقات بیانگر آن بود که سال ۱۳۸۴ زمانی که «خاتون» با همسر اولش دچار اختلافات شدید شده و در کشاکش طلاق بودند با مردی به نام «م» که شغلی دولتی داشت، در رستوران خودش آشنا شد. این آشنایی در حالی به ازدواج آن ها انجامید که دیگر خاتون از همسر اولش جدا شده بود و با اموالی که داشت آرزوی یک زندگی رویایی را در ذهن می پروراند! ولی «م» خیلی زود به اشتباه خود پی برد و فهمید که در ازدواج مجدد دچار اشتباه بزرگی شده است به همین خاطر تلاش کرد تا خاتون را طلاق بدهد! ولی او که رویاهایش را بی تعبیر می دید خود را آماده هر گونه مقابله با «م» کرد. آتش اختلافات آن‌ها به حدی شعله‌ور شد که روزی خاتون به مکان ساختمان‌های مرکزی محل کار همسرش رفت و قصد داشت حادثه خودسوزی را در میان هیاهو و جنجال رقم بزند که بلافاصله همکاران «م» وارد عمل شدند و او را به داخل یکی از ساختمان ها هدایت کردند و بدین ترتیب به این غائله که می رفت جنایتی وحشتناک را رقم بزند خاتمه دادند. بعد از آن بود که «م» از ترس و وحشت خواب نداشت و تصور این که روزی ماجرای هولناکی رخ دهد، تنش را می لرزاند. به همین دلیل او شبانه دست زن و بچه‌اش را گرفت و به مکان نامعلومی رفت تا هیچ گاه دست «خاتون» به او نرسد. این مرد از قبل نامه نگاری های اداری را نیز برای انتقالش به یک شهر دور دست انجام داده بود و روزی به طور ناگهانی ناپدید شد. اما در این میان «خاتون» دست بردار نبود. این زن ۴۶ ساله در اسنادی که با هوشیاری قاضی احمدی نژاد و بررسی‌های تحقیقاتی کارآگاهان به دست آمد، «م» را تهدید کرده بود که نباید او و فرزندانش را رها می کرد! چرا که «خاتون» در ازدواج اول خود با مردی پای سفره عقد نشست که همسرش را طلاق داده و نوزاد شیرخواره‌ای داشت و بعد از آن هم سه فرزند دیگر از همسرش را سرپرستی می کرد. گزارش خراسان حاکی است، ادامه تحقیقات حکایت از آن داشت پدر «م» که پیرمردی بازنشسته بود به طور ناخواسته درگیر ماجرای ازدواج نافرجام پسرش شد چرا که «خاتون» محل رفت و آمد او را می دانست و سوار بر خودرو کنار پیرمرد قرار می گرفت و از او می خواست تا سوار خودرو اش شود. او می گفت بعد از رفتن «م» قصد دارد با او درد دل کند ولی پیرمرد سوار خودروی خاتون نمی شد! پیرمرد وقتی به منزل می رسید این ماجراها را برای اعضای خانواده اش باز گو می کرد و گاهی می گفت: «ش» (خاتون) سوار بر خودرو بوق می زند و می خواهد به هر طریقی مرا به منزل برساند ولی من نمی‌توانم سوار خودروی او شوم! در همین گیرودار، در یکی از روزهای زمستان سال ۱۳۸۴ پیرمرد برای رفتن به مغازه تعمیر کاری پسر دیگرش از چهارراه سیلو به سوی چهارراه گاز مشهد به راه افتاد و لی هیچ گاه به مقصد نرسید و این گونه با شکایت خانواده پیرمرد ردپای خاتون در این پرونده که باز هم در فاصله نه چندان دور از رستورانش گم شده است، در حالی دیده می‌شود که سرنخ ها و اسناد مهمی از ماجرای ناپدید شدن مرموز این پیرمرد به دست آمد.

شهروندان اطلاعات خودشان را در صورت شناسایی تصاویر مذکور در اختیار پلیس بگذارند

■ **پیرمرد را کشته‌ام!**

تحقیقات گسترده‌تر از پرونده های جنایی که ردپایی از خاتون در آن ها وجود دارد نشان داد که در سال ۹۲ شبی خاتون پس از مشاجره با فرزندانش، مضطرب و لرزان به اداره آگاهی می رود و با معرفی خود به عنوان قاتل پیرمرد می گوید: من چند سال قبل پیرمردی را کشته و در جایی دفن کرده‌ام و اکنون به خاطر عذاب وجدان خودم را تسلیم قانون کردم! کارآگاهان او را در آن شب در بازداشتگاه نگه داشتند و صبح روز بعد برای تصمیم گیری قضایی به دادسرا فرستادند ولی خاتون حرف هایش را انکار کرد و گفت: به خاطر عصبانیتی که از فرزندانم داشتم چنین سخنان دروغی را بر زبان راندم! اگر چه با دستور قضایی خاتون مدتی را در زندان به سر برد. ولی باز هم به خاطر این که اسناد و مدارک محکمه پسندی در آن زمان پیدا نشد، وی با صدور قرار وثیقه از سوی قاضی وقت رسیدگی کننده به پرونده آزاد و سپس تبرئه شد...

■ **خاتون بازداشت شد**

بنابر گزارش اختصاصی خراسان، با جمع آوری اطلاعات و مدارک مستند و تجزیه و تحلیل های تخصصی کارآگاهان در کنار قاضی ویژه قتل عمد، حدود دو ماه قبل قاضی احمدی نژاد دستور بازداشت خاتون را صادر کرد و بدین ترتیب با دستگیری وی پرونده های جنایی وارد مرحله جدیدی شد. همه اسناد و مدارک در حالی از قتل پیرمرد و آخرین همسر خاتون حکایت دارد که وی مدعی است از این ماجراهای وحشتناک خبری ندارد این در حالی است که سرنخی از بررسی های کارآگاهان به سوی رستوران این زن کشیده شده است. چرا که یکی از دوستان وی نیز که با دستور قاضی ویژه قتل عمد و پس از بازجویی های مقدماتی بازداشت شد، در اظهارات خود بیان کرد: «خاتون به ما گفت او را (حمید) می کشم و تکه تکه بدنش را در چرخ گوشت می اندازم!»

■ **ماجرای اقدام به قتل با سم**

گزارش خراسان حاکی است: در اثنای تحقیقات گسترده کارآگاهان که با نظارت مستقیم و راهنمایی های قاضی احمدی نژاد صورت گرفت «ف» (یکی از متهمان پرونده و دوست خاتون) درباره ماجرای اقدام به قتل حمید گفت: من و همسرم با «خاتون» رفت و آمد داشتیم تا این که وقتی شبی به اتفاق خواهر و شوهر خواهرم به منزل او رفته بودیم متوجه شدیم خاتون داخل نوشیدنی ویژه‌ای که برای حمید درست کرده بود، مقداری قرص یا سم ریخت. او می گفت: می خواهم این نوشیدنی سمی را به حمید بخورانم بعد هم تکه تکه اش می کنم و داخل چرخ گوشت می اندازم! آن زمان او را به آرامش دعوت کردیم و عاقبت چنین کاری را برایش گفتیم بعد هم نوشیدنی را در سینک ظرف شویی ریختم و او را از این کار هولناک منصرف کردم. با این حال مدتی بعد خاتون پیام داد که کارش را فرد دیگری تمام می کند! این زن افزود: چند وقت بعد از این ماجرا، دوباره خاتون را دیدم و از اوسوال کردم که با شوهرت آشتی کردی؟ او گفت: کارش را تمام کردم و از دستش راحت شدم! دیگر غصه ای ندارم! آن روزها این حرف های او را جدی نگرفتم و باورم نمی شد تا این که فهمیدم شوهرش از چند ماه قبل گم شده است.

سند دیگری از ماجرای وحشتناک این پرونده‌ها نیز حاکی از آن است که «خاتون» گم شدن مرموز آنه همسرش را به یک حادثه تصادف ربط داده است که دلیل محکمه پسندی برای اتهامات وی به شمار می رود.

■ **سقوط یکی از شوهران خاتون از کوه**

تحقیقات بیشتر درباره این پرونده‌ها به سوی یکی دیگر از همسران سابق خاتون کشیده شد. بررسی این پرونده نیز نشان می داد که سال ۸۷ یکی از همسران سابق خاتون در حالی که به شمال کشور رفته بود به طرز مشکوکی از کوه سقوط کرده و جان باخته است.

این ماجرا نیز در حالی مورد کنکاش های پلیس قرار دارد که بعد از طلاق خاتون از وی رخ داده است اما باز هم کارآگاهان نمی‌توانند به راحتی از کنار این حادثه بگذرند! بنابراین گزارش «ج» سومین همسر سابق خاتون نیز که به دادسرا احضار شده بود ادعا کرد او قصد کشتن مرا داشت که جانم را برداشتم و فرار کردم اما او چند روز در شهرهای شمالی کشور به دنبال من می گشت و من تا امروز مخفیانه زندگی می کنم! بنابر گزارش خراسان، خاتون و یکی از دوستانش با صدور دستورات ویژه‌ای از سوی قاضی علی اکبر احمدی نژاد در بازداشت به سر می برند تا تحقیقات این پرونده‌ها تکمیل شود.

در عین حال با توجه به ادعای خاتون مبنی بر زنده بودن این افراد، کارآگاهان اداره جنایی از شهروندان خواستند چنان چه درباره «حمید.ف» و «م» پیرمردی که تصویر آنان درج شده است، اطلاعات بیشتری دارند به شعبه ۲۰۸ بازپرسی در خیابان کوهسنگی یا اداره جنایی پلیس آگاهی در منطقه رضاشهر مشهد مراجعه کنند یا با شماره تلفن های ۰۵۱-۲۱۸۲۵۲۸۹-۲۱۸۲۵۲۰۰ اطلاع دهند.

در امتداد تاریکی

پلک های خمار

آن قدر در منجلاب فساد و خلافکاری فرو رفته بودم که حتی به دوست قمار بازم نیز خیانت کردم. دلم به همین خوشگذرانی ها و روابط نامتعارف با پسران غریبه خوش بود در حالی که انسانیت و آینده خودم را فراموش کرده بودم اما روزی که به اتهام سرقت دستگیر شدم تازه فهمیدم جوانی که قرار بود همراه و شریکم در زندگی باشد یک سارق حرفه ای است که... زن ۲۷ ساله که از شدت خماری نمی توانست پلک هایش را بالا نگه دارد، بعد از آن که آخرین پک را به ته مانده سیگارش زد مقابل مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سناباد مشهد قرار گرفت و در حالی که گاهی برای دقایقی به خواب می رفت در تشریح ماجرای زندگی اش گفت: پدرم با مغازه کوچکی که در منطقه قلعه ساختمان مشهد دارد مخارج ۹ فرزند و خانواده اش را تامین می کرد. با آن که مادرم خانه دار بود همه خواهر و برادرهایم را سروسامان داد به طوری که هر کدام از آن ها به دنبال سرنوشت و زندگی خودشان رفتند و طعم خوشبختی را چشیدند. در این میان من که ته تغاری خانواده بودم هیچ علاقه ای به درس و مدرسه نداشتم، از همان دوران کودکی با پسرهای محله مأنوس بودم و با آن ها داخل کوچه و خیابان ترقه بازی می کردم و در رفتارهای هیجانی از آن ها پیشی می گرفتم به همین خاطر بیشتر اوقاتم را در کوچه و خیابان می گذراندم تا این که به ناچار با ضعیف شدن درس هایم در مقطع راهنمایی ترک تحصیل کردم.

۱۵ ساله بودم که به اصرار خانواده ام به خواستگاری علی پاسخ مثبت دادم و پای سفره عقد نشستم. او شش سال از من بزرگ تر بود و در یک کارخانه تولیدی کار می کرد. علی جوانی مؤدب بود که نه رفیق بازی می کرد و نه دور و بر مواد مخدر می رفت ولی من هیچ احساس و علاقه ای به او نداشتم با آن که از دید اطرافیانم پسر خوبی بود ولی از نگاه من که دختری ماجراجو بودم بسیار ساکت و آرام جلوه می کرد به همین دلیل نمی توانستم علاقه ای به او داشته باشم. این بود که زندگی مشترک ما فقط ۱۱ ماه طول کشید و من از او طلاق گرفتم. هیچ کس از اطرافیانم این ماجرا را باور نمی کرد و من در پاسخ آن ها فقط می گفتم علاقه ای به همسرم نداشتم. از آن روز به بعد به دختری لجباز و خودسر تبدیل شدم تا جایی که دیگر خانواده ام نیز دست از حمایت من برداشتند و کاری به کارم نداشتند. در همین روزها بود که در شبکه های اجتماعی عضو یک گروه خلافکار شدم و با آن ها در پارتی ها و دورهمی های شبانه شرکت می کردم و به هر رابطه ای تن می دادم تا این که با همین دوستانم مصرف سیگار و شیشه را شروع کردم. مدتی بعد و در حالی که به همراه اعضای گروه در پاتوقی واقع در منطقه سیدی مشهد جمع شده بودیم و در حالت های غیرطبیعی به سر می بردیم توسط نیروهای انتظامی دستگیر شدم و چند ماه از عمرم را پشت میله های زندان گذراندم. وقتی دوباره رنگ آزادی را دیدم، نزدیکی از دوستانم به نام سعیده رفتم. او همه اموال، خانه و لوازم آن را در یک بازی قمار در همین پارتی های شبانه باخته بود. آن شب من پای گریه ها و درد دل های او نشستم و قرار شد روز بعد با دوست پسرش حرف بزنم تا نزد سعیده باز گردد و با هم ازدواج کنند. وقتی با داریوش در پارک قرار ملاقات گذاشتم چند ساعت با هم صحبت کردیم و در میان همین قرارها بود که داریوش با بیان این که عاشقم شده است به من پیشنهاد دوستی داد من هم که شیفته ظاهر و چرب زبانی هایش شده بودم به دوستم خیانت کردم و سوار بر خودروی داریوش به مسافرت شمال رفتیم در حالی که خانواده داریوش با ازدواج ما کاملا مخالف بودند ولی دل من به همین خوشگذرانی ها خوش بود. در میان همین ارتباطات نامتعارف مجبور شدم سقط جنین کنم با این حال وقتی نیروهای گشت کلانتری ما را سوار بر خودرو دستگیر کردند تازه فهمیدم که داریوش دارای چند سابقه سرقت است و من نیز سوار خودروی سرقتی بوده ام و...

شایان ذکر است به دستور سرگرد قدیمی (رئیس کلانتری سناباد) متهمان به سرقت تحویل مراجع قضایی شدند تا تحقیقات بیشتری درباره سرقت های احتمالی دیگر آنان صورت گیرد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

دستگیری زنی که تلفن همراه زائران را می‌دزدید

رئیس کلانتری ۱۷۲ حضرت عبدالعظیم حسنی از دستگیری زنی خبر داد که اقدام به سرقت تلفن همراه زائران حرم حضرت عبدالعظیم کرده بود. سرهنگ میررضا بهرامی در گفت‌وگو با ایسنا، در این باره اظهار کرد: در پی وقوع چند فقره سرقت تلفن همراه از شهروندان به‌ویژه بانوان در محدوده حرم حضرت عبدالعظیم حسنی طرح پاک‌سازی و دستگیری متهم یا متهمان این پرونده در دستور کار ماموران کلانتری ۱۷۲ حرم حضرت عبدالعظیم حسنی قرار گرفت. وی با اشاره به انجام تحقیقات و بررسی های انجام شده از سوی ماموران اظهار کرد: در جریان تحقیقات ردپای یک زن در این سرقت ها مشاهده شد و ماموران پس از چند روز تعقیب و مراقبت موفق به شناسایی و دستگیری این فرد شدند. رئیس کلانتری ۱۷۲ حرم حضرت عبدالعظیم حسنی با اشاره به عملیات ماموران برای دستگیری این زن، گفت: ماموران پلیس هنگام دستگیری این زن ۱۸ دستگاه تلفن همراه مسروقه را از میان وسایل و لباس هایش کشف و ضبط کردند. وی با اشاره به انتقال متهم به کلانتری گفت: متهم در بازجویی ها، به جرم خود مبنی بر سرقت از زائران حرم در شهریور اعتراف کرد و گفت که با تیغ زنی و جیب بری اقدام به سرقت تلفن همراه شهروندان به‌ویژه بانوان کرده است. بهرامی با بیان این که شش تن از شاکیان شناسایی و برای بازپس گیری اموال خود دعوت شدند، تصریح کرد: متهم با تکمیل پرونده برای بررسی بیشتر به پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شد و تلاش برای شناسایی دیگر مال باختگان ادامه دارد.